

دره بین

پنج پرده از خودکشی

- پرده اول**

روز ۱۳ بهمن، ماجرای مرگ تلخ زن ۵۰ ساله به ماموران پلیس پایتخت گزارش شد و ماموران با حضور در شهرک علائین «معروف به قلعه گبری» در شهری رقتی وارد خانه شدند با جسد حلق آویز شده مادر یک خانواده روبه‌رو شدند.

ماموران در تحقیقات پلیسی و با توجه به بنرهای تسلیتی که در جلوی خانه این زن وجود داشت، اطلاع یافتند که چند روز قبل دختر ۲۲ ساله این زن فوت کرده و مادر جوان به خاطر این اتفاق به زندگی خود پایان داده است.

- پرده دوم**

روز ۱۳ بهمن ماجرای خودکشی زن جوانی به پلیس تهران گزارش شد و تیمی از ماموران به دستور بازپرس ویژه قتل برای بررسی موضوع به صحنه جرم اعزام شدند. ماموران با حضور در شهرک گلستان با جسد زن جوانی که خود را حلق آویز کرده بود، روبه‌رو شدند و مشخص شد زن ۴۱ ساله در اقدامی خودخواسته به زندگی خود پایان داده است.

- پرده سوم**

محمد میرزایی حیدری در باره خودکشی دختر جوانی در طبقه دوم دانشگاه آزاد ایلام، اظهار کرد: این دختر جوان دانشجوی دانشگاه آزاد ایلام نبود و در آرمونی که روز جمعه گذشته ۱۱ بهمن از سوی یکی از موسسه‌های آموزشی این شهرستان در محل دانشگاه آزاد بر گزار شد، شرکت کرد و بعد از آزمون خودش را از طبقه دوم ساختمان به پایین پرت کرد.

وی افزود: بعد از اقدام به خودکشی این دختر جوان، وی را به بیمارستان منتقل کردند که متأسفانه اقدامات درمانی موثر واقع نشد و این دختر جوان فوت کرد.

- پرده چهارم**

فرمانده انتظامی رضوانشهر گفت : دختر ۱۵ ساله که صبح ۱۴ بهمن خود را از روی پل عابر پیاده به پایین پرت کرده بود، زنده ماند.

سرگرد امیر وهاب زاده افزود : این دختر به علت آسیب دیدگی از ناحیه کمر در بیمارستان شهید بهشتی بندرانزلی بستری شد.

- پرده پنجم**

چندروز قبل خانواده‌ای که در سفر بودند هرچه با پدرشان که در تهران بود تماس گرفتند پاسخی نشنیدند و با توجه به این که پدرشان در فروردین امسال از سوی چند مرد به گروگان گرفته شده بود، نگران شدند و از یکی از بستگانشان خواستند تا برای سرکشی به خانه شان برود. مرد جوان وقتی به در خانه مرد طلافروش رفت هر چه رنگ خانه را به صدا در آورد جوابی نشنید تا این که در تماس با پلیس و سازمان آتشنشانی درخواست کمک کرد و ماموران پس از تخریب در ورودی، وارد خانه مرد طلافروش شدند و با جسد خونین وی روی تخت اتاقش روبه‌رو شدند. جسد این مرد که در گذشته طلافروشی داشت و یک بار نیز هدف گروگان گیری قرار گرفته بود، برای بررسی های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شدو تحقیقات در محل نیز حکایت از خودکشی این مرد داشت.

کارشناس پزشکی قانونی پس از بررسی های دقیق ضربات چاقوروی بدن مرد طلافروش اعلام کردند که وی دست به خودکشی زده و با ضربات چاقو به زندگی خود پایان داده است. تیم پلیسی در ادامه تحقیقات اطلاع یافتند که مرد طلافروش به خاطر بدهکاری دست به خودکشی زده است.

- تحلیل کارشناس**

۳ اقدام موثر برای پیشگیری از خودکشی

دکتر کاظم قجاوند جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

خودکشی به عنوان یکی از رفتارهای انحرافی در ادبیات آسیب‌شناسی اجتماعی به شمار می‌رود. متأسفانه به دلایل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی آمار خودکشی به‌ویژه در بین قشر جوانان در سال‌های اخیررو به‌افزایش‌وازدیاداست. به‌نظر می‌رسد سرخوردگی، یاس و ناامیدی از بهبود شرایط در جامعه، مواجه‌شدن با ناکامی‌ها و شکست‌ها و نداشتن مهارت کافی برای حل مسائل، اقدام حمایت‌های اجتماعی، بی‌هنجاری و آشفتگی و ناهنجاری‌های اجتماعی، بیکاری و شرایط اقتصادی نامطلوب دسترسی به موقع نداشتن به خدمات مشاوره روان‌شناسی و مددکار اجتماعی از جمله مهم‌ترین دلایل خودکشی در جامعه به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر با توجه به‌افزایش سطح افسردگی در بین مردم به‌ویژه جوانان آمار خودکشی افزایش یافته‌است. چرا که بیماری افسردگی رابطه مستقیم و تنگاتنگی با خودکشی دارد به نظر می‌رسد در سه سطح پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالثیه در باره آسیب‌های اجتماعی خودکشی باید اقدام کرد. در سطح اول امکان خدمات مشاوره و مددکاری اجتماعی و ار جاع به‌روان‌پزشک برای دارودرمانی به‌ویژه برای افرادی که به‌افسردگی مبتلا هستند می‌تواند یک اقدام پیشگیرانه موثر باشد. در مرحله بعد آموزش مهارت‌های زندگی و بالا بردن مهارت حل مسئله و بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌تواند تاثیر گذاری را در باره خودکشی به دنبال داشته باشد. همچنین در پیشگیری سطح دوم افرادی که دست به خودکشی زدند و جان سالم به در برده‌اند باید سریع به مراکز درمانی هدایت شوند و داروی لازم را دریافت کنند در مرحله سوم پیشگیری باید سیستم‌های درمانی، خانواده افرادی را که سابقه اقدام به خودکشی داشتند آگاه کنند تا بر رفتار فردی که مرتکب خودکشی شده است نظارت بیشتری داشته باشند. به‌طور کلی فشارهای اقتصادی، اجتماعی، شخصیت‌های متزلزل، افسردگی، بیکاری، فقر و هزاران عامل دیگر در پدیده افزایش خودکشی‌های مرگبار تاثیر گذار خواهد بود.

مرد شیشه ای که در جنایتی وحشتناک دست به قتل عام خانوادگی زد، محاکمه‌شد. این مرد دوست صمیمی اش را با همسر و فرزندش در باغی در کلاته ورامین کشت و دیروز در دادگاه ادعا کرد تحت تاثیر مصرف مواد دست به جنایت زده است و چیز زیادی از جزئیات ماجرا به خاطر ندارد.

- ناپدید شدن دختر ۸ ساله**

رسیدگی به این پرونده از یکم اردیبهشت امسال به دنبال شکایت یک زن جوان آغاز شد. ناهید که به پلیس آگاهی رفته بود از ناپدید شدن دختر هشت ساله اش به نام بیتا خبر داد.

وی به مأموران گفت: من چهار سال قبل از همسر م به نام دانیال جدا شدم و حضانت فرزندم را به همسر م سپردم. من هر هفته دخترم را ملاقات می‌کردم. آخرین بار همسر دوم دانیال به نام سحر مقابل خانه ما آمد و بیتا را از من تحویل گرفت و با خود برد. اما پس از آن دیگر خبری از دخترم ندارم و می‌ترسم بلایی سرش آمده باشد.

- نخستین سرنج**

به دنبال این شکایت تلاش برای افشای راز ناپدید شدن بیتا آغاز شد و پلیس در یافت وی به‌همراه پدر و نامادری اش ناپدید شده‌است

شلیک مقابل آرایشگاه زنانه چه پشت پرده‌ای داشت

دستور قتل زن مطلقه از داخل زندان



پسر دانشجو که با شلیک گلوله عمه مطلقه اش را کشت و دختر عمه دیگرش را زخمی کرد دفاعیات عجیبی داشت. این مرد دیروز در دادگاه مدعی شد شوهر سابق عمه اش از داخل زندان دستور قتل را صادر کرده بود.

- حمایت خون مقابل آرایشگاه زنانه**

اوایل شهریور سال ۹۷ صدای شلیک چند گلوله مقابل آرایشگاه زنانه‌ای در پیشوای ورامین پیچید . همسایه ها با شنیدن صدای شلیک‌های گلوله از خانه هایشان بیرون دویدند و با پسر جوانی که رو شدند که پس از شلیک خونین سوار بر موتور از محل گریخت. پیکرهای خونین دوزن جوان با آمبولانس به بیمارستان منتقل شد اما زن ۳۴ ساله به نام سعیده به خاطر شدت خونریزی جان سپرد و برادرزاده ۲۳ ساله وی به نام سحر که زخمی شده بود، تحت عمل جراحی قرار گرفت و معجزه‌آسا زنده ماند. این دختر پس از بهبودی نسبی به ماموران گفت : شوهر عمه ام اعتیاد شدید داشت و چند بار به خاطر قاچاق مواد مخدر به زندان افتاده بود. شوهر عمه‌ام در زندان بود که عمه‌ام از او طلاق گرفت. بعد از این جدایی عمه‌ام را یک آرایشگاه زنانه مشغول به کار شد. از چند ماه قبل من هم به آرایشگاه زنانه رفتم و کنار عمه‌ام کار می‌کردم.

- ردیابی قاتل عاشق پیشه**

دختر جوان ادامه داد: پسر دایی ام مهربان بود، دانشجوی ترم ششم رشته حقوق است از مدتی قبل به من ابراز علاقه کرده بود. او می‌گفت عاشقم شده است و قصد ازدواج با من را دارد. اما او مدتی پیش مقابل آرایشگاه محل کارم آمد و حرف‌های عجیبی زد. او می‌گفت که رفتم از این جدایی عمه‌ام را یک آرایشگاه زنانه مشغول به کار شد. از چند ماه قبل من هم به آرایشگاهی که من و عمه‌ام آن جا کار می‌کردیم آمد و از صاحب آرایشگاه در باره ما پرسید. گمان می‌کردیم با حرف‌های صاحب آرایشگاه، مهرباد آرام می‌شود اما نشد. آخرین بار از من خواست تا فیلم دوربین‌های آرایشگاه را به او نشان دهم تا مطمئن شود از صبح تا شب در آرایشگاه مشغول به کار بوده‌ام. به او گفتم آرایشگاه مجهز

با افشای این ماجرا، پلیس در نخستین گام از تحقیقات به بررسی فهرست مکالمات تلفنی دانیال پرداخت و دریافت وی آخرین بار با یکی از دوستانش به نام مهدی تماس داشته است. بدین ترتیب پلیس به ردیابی مهدی پرداخت و خودروی دانیال را مقابل باغ خانوادگی مهدی در کلاته ورامین شناسایی کرد.

مهدی که به شیشه معتاد است، پس از دستگیری ادعا کرد از سر نوشت دوستش و همسر و فرزند وی هیچ اطلاعی ندارد اما وقتی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شد لب به اعتراف گشود و پرده از قتل عام خانوادگی برداشت.

- اعتراف به قتل عام خانوادگی**

مهدی ۲۸ ساله انگیزه جنایت را بدبینی دوستش بیان کرد و افزود: من و دانیال پنج سال قبل با هم آشنا شده بودیم. ما هر دو سال‌ها بودیم اما پس از چند سال از او خبری نداشتم تا این که حدود یک ماه قبل بار دیگر دانیال را در حوالی کشتارگاه در منطقه خاوران دیدم، من، او و همسر دوم فرزندش را به باغ خانوادگی مان در ورامین دعوت کردم. آن‌ها آن روز به باغ ما آمدند و ما با هم شیشه کشیدیم. ما آتش روشن کرده بودیم



که دانیال برای خرید سیب زمینی از باغ بیرون رفت. نیم ساعت بعد من هم برای خرید غذا از باغ بیرون رفتم اما وقتی به باغ برگشتم یک باره دانیال به سمتم حمله ور شد. او می‌گفت من به همسرش نظر داشته‌ام. وی ادامه داد: او با چاقو به سمت من حمله‌ور شد که چاقو را از او گرفتم و او را کشتم. سپس سراغ همسرش رفتم و او را نیز با ضرب‌های چاقو کشتم. بیتا شاهد ماجرا بود که با سنگ به من حمله کرد و او را خفه کردم. به دنبال اعتراف‌های مرد شیشه‌ای، پلیس به بررسی باغ منظر پرداخت و اجساد سه

بررسی حوادث

این مرد دوستش و همسر و فرزند وی را کشت

اعتراف عجیب عامل قتل عام خانوادگی در باغ کلاته

کردم تا حضانت بیتا را بگیرم. دادگاه گفته بود دو ماه بعد و با پایان مدرسه بیتا حضانت او را به من می‌سپارد اما داغ دخترم بر دلم ماند.

سپس مهدی در جایگاه ویژه ایستاد و قتل عام خانوادگی را گردن گرفت. وی گفت: من قتل را قبول دارم اما تحت تاثیر مصرف شیشه دست به چنین کاری زده بودم. دانیال به من حمله ور شد و با چاقو ضرب‌ه ای به گردنم زد. او حتی به سمت من اسبیری اشک آور زد که ناچار شدم او را بکشم. اما به علت مصرف مواد، چیز زیادی از جزئیات ماجرا به خاطر ندارم. من بعد از قتل دانیال و همسر و دخترش بار دیگر مواد کشیدم.

وی در پاسخ به سوال قاضی که بعد از جنایت چه موادی مصرف کردی؟ گفت: من قبل از قتل شیشه کشیده بودم اما بعد از قتل چون زخمی شده بودم و خون زیادی از دست داده بودم هر وئین کشیدم تا دردم تسکین یابد. در این میان قاضی گفت: این موضوع نشان می‌دهد هوشیار بودی و تفاوت مصرف شیشه و هروئین را می‌دانستی که متهم سکوت کرد.

بنابه این گزارش، در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

قتل خانم پرستار به خاطر پول دیه‌ا

وی افزود: به تنهایی از پس کارهای فرزندم بر نمی‌آمدم به همین دلیل برای بچه‌ام پرستار گرفتم تا این که چندی قبل الهام به‌عنوان پرستار پسر م به خانه‌ام رفت و آمد پیدا کرد اما متوجه بدرقارتی‌های الهام با فرزندم شدم و مدتی سکوت کردم ولی دیگر طاقت نیاوردم و از او خواستم دیگر به خانه‌ام نیاید.

داوود ادامه داد: پسر م در سن ۱۷ سالگی فوت کرد و الهام نیز در همان روز‌ها که حال و روز خوبی نداشتم بار‌ها به سراغ‌ام آمد و طلب پولش را می‌کرد و باعث شده بود آبرویم برود به همین دلیل آخرین بار که به در خانه‌ام آمد عصبانی شدم و او را به باد کتک گرفتم که از دست من شکایت کرد و باید ۲۰ میلیون تومان بابت دیه به او پرداخت می‌کردم.

مرد مکانیک گفت: یک موتور سیکلت داشتم که با فروش آن توانستم هفت میلیون تومان به الهام بدهم و بقیه پول را قرار شد هر ماه یک میلیون تومان به او پرداخت کنم که ماه اول به‌مغازه‌ام آمد و یک میلیون تومان به او پرداخت کردم.

داوود در خصوص روز جنایت گفت: ماه دوم بود که الهام به در مغازه‌ام آمد و چون همه پول را تهیه نکرده بودم ۶۰۰ میلیون تومان به او پرداخت کردم و خواستم چند روز فرصت بدهد تا ۴۰۰ هزار تومان دیگر را برایش تهیه کنم که شروع به داد و بیداد کرد. در یک لحظه عصبانی شدم و سیم یکسلی را که در دستم بود، دور گردنش انداختم تا ساکت شود و وقتی به خودم آمدم دیدم الهام دیگر نفس نمی‌کشد و او را کشتم.

مرد جوان ادامه داد: جسد الهام را داخل یک ملافه پیچیدم و پشت خودرویم گذاشتم و به منطقه دارآباد رفتم و جسد را از داخل خودرو بیرون آوردم و شروع به سیگار کشیدن کردم.

حال خوبی نداشتم و وقتی سیگارم تمام شد آن را روی زمین انداختم که با توجه به این که ملافه روغنی بود ناگهان آتش سیگارم باعث آتش گرفتن جسد شد و چون هیچ کاری نمی‌توانستم بکنم به سرعت از آن جا دور شدم.

وی افزود: سه روز داخل خودرویم بودم و به خانه رفتم، عذاب وجدان داشتم و وقتی به خانه بازگشتم سعی کردم با نقش‌پردازی این جنایت را پنهان نگه دارم اما با پیدا شدن جسد سوخته و تحقیقات پلیسی، دیگر در بازداشتگاه پلیس طاقت نیاوردم و تصمیم به افشاکری گرفتم.

